

اشاره:

با تصویب برجام، تهران به عرصه رفت و آمدهای دیپلماتیک و اقتصادی نمایندگان هیئت‌های سیاسی و تجار کشورهای مختلف تبدیل شد. اگرچه حضور غربی‌ها بر شرقی‌ها در این رفت و آمدها بیشتر جلوه‌گر بود با این حال در ماه گذشته در کنار سفر رئیس‌جمهور به دو کشور اروپایی، شاهد رویدادهایی در جهت تقویت روابط ایران و کشورهای شرقی بودیم. رویدادهایی چون سفر رئیس‌جمهور چین، سفر هیئت اقتصادی ایران به ژاپن و برنامه‌ریزی برای سفر هیئت اقتصادی کره جنوبی از جمله تحولاتی هستند که در کنار گسترش روابط ایران با غرب حاوی معانی مهم در خصوص استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم به شمار می‌آیند.

مقدمه

عرصه اضافه شد و با توجه به قابلیت‌های ویژه در عرصه اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک، سیاست خارجی ایران به عرصه شلوغ رفت و آمد سایر کشورهای جهان تبدیل شد. ملاقات‌های گوناگون از کشورهای متفاوت در سرتاسر جهان به ویژه اروپا این امکان را برای دستگاه دیپلماسی ایران فراهم کرد تا استراتژی سیاست خارجی خود را نه بر مبنای صرف محدودیت‌ها که بر مبنای امکانات نیز تدوین کند و با برخورداری از قدرت انتخاب، مسیر دیپلماسی و اقتصاد کشور را تعیین نمایند. با این حال این بار جایگاه کشورهای شرقی بود که در روابط و سیاست خارجی ایران تیره و مبهم به نظر می‌رسید. این در حالی است که در ماه جاری رویدادهایی به وقوع پیوست که تا حدی این ابهام را برطرف کرد. در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا ضمن پرداختن به این رویدادها و ابعاد آنها نگاهی به جایگاه شرق و غرب در سیاست خارجی دولت یازدهم با تأکید بر روابط ایران و شرق در بهمن ماه داشته باشیم.

سفر رئیس‌جمهور چین به ایران

می‌توان از سفر رئیس‌جمهور چین به تهران به عنوان اولین رویداد بسیار مهم در روابط ایران با جهان شرق که در مدت کوتاهی پس از اجرایی شدن برجام و لغو تحریم‌های سازمان ملل صورت گرفت،

تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل و آمریکا علیه برنامه هسته‌ای نه تنها به لحاظ اقتصادی که به لحاظ سیاسی نیز ایران را در انزوا قرار داده بود. در این مقطع ضرورت‌ها و محدودیت‌ها بر عرصه سیاست خارجی ایران مسلط شده و قدرت انتخاب را از تصمیم‌سازان گرفته بود و بنابر ضرورت، ایران به کشوری با سیاست خارجی شرق‌گرا تبدیل شد. در این مدت روابط سیاسی و اقتصادی ایران به دو کشور چین و روسیه محدود شده و این دو کشور رقیبان بلامنازع عرصه اقتصادی، نظامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آمدند. بعد از آنکه جمهوری اسلامی ایران توانایی خود را در به کارگیری دیپلماسی به عنوان کم‌هزینه‌ترین و مطمئن‌ترین راه دست‌یابی به منافع ملی خود به عرصه نمایش گذاشت، عامل امکانات و توانمندی‌ها نیز به این

یاد کرد. اگرچه روابط گسترده ایران و چین پدیده‌ای تازه نیست، اما وقوع این سفر در مقطع کنونی به چند دلیل حائز اهمیت بود: اول اینکه این سفر اولین سفر یک رئیس دولت، به ایران پس از برجام بود. دوم اینکه این سفر پس از گذشت ۱۴ سال از آخرین سفر این مقام یعنی رئیس‌جمهور چین به ایران صورت گرفت. سوم اینکه تهران یکی از مقاصد سه‌گانه (در کنار ریاض و قاهره) در سفر خاورمیانه‌ای رئیس‌جمهور این کشور بود و چهارم اینکه این سفر توافق‌های حائز اهمیتی را برای گسترش روابط دو کشور در بلندمدت در برداشت. امضای ۱۷ سند همکاری، توافق برای افزایش حجم روابط تجاری تا ۶۰۰ میلیارد دلار تا ده سال آینده، امضای پیمان همکاری اقتصادی، سیاسی و نظامی ۲۵ ساله از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی این سفر بودند.

در هر حال رویداد سفر رئیس‌جمهور چین به ایران و خاورمیانه در شرایط پسابرجام حاوی مفاهیم مهمی برای هر دو کشور است زیرا به نظر می‌رسد تا قبل از حل مسئله هسته‌ای ایران و حتی می‌توان گفت از اوایل انقلاب اسلامی، رابطه ایران و چین بر مبنای ضرورت‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در این رابطه چین معمولاً بر مبنای منافع ملی خود با ایران رابطه برقرار کرده و شرایطی را بر ایران تحمیل نموده است. نمونه‌هایی مانند فروش همزمان سلاح به ایران و عراق در جنگ تحمیلی، خرید نفت ایران با تخفیف بسیار زیاد و بر مبنای یوآن و یا از طریق تهاتر، بخشی از این روابط نامتعادل هستند که ایران برای کاهش تبعات انزوای خود تحمیل شده توسط نظام بین‌الملل به آن تن داد.

با این حال در شرایط پسابرجام اگرچه رابطه با چین به عنوان قدرت نوظهور و رقیب آمریکا برای ایران هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ اقتصادی مهم و اجتناب‌ناپذیر است، این رابطه به سمت تعادل بیشتر در حال حرکت است. به ویژه آنکه ایران دیگر برای چین نه یک بازار انحصاری که عرصه رقابتی است که در آن رقبای قوی حضور خواهند داشت.

این در حالی است که از نظر چین نیز، این سفر به دلایل گوناگون حائز اهمیت بوده است. قبل از هر چیز، سفر به خاورمیانه به منزله نقطه عطفی در سیاست خارجی چین به عنوان یک قدرت نوظهور و رقیب آمریکا به شمار می‌رود زیرا خیزش چین به سمت خاورمیانه نه تنها با اهداف اقتصادی که با هدف سیاسی و به مقتضای حرکت این کشور به جایگاه ابرقدرتی آن صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد

چین که تاکنون بدون برهم زدن ساختار نظام بین‌الملل به صورت آرام به سمت ابرقدرتی حرکت کرده است از این پس با رویکردی فعالانه‌تر و مداخله‌جویانه‌تر به مثابه یک ابرقدرت، در مناطق مختلف جهان خواهان ایفای نقش باشد. تلاش برای کاهش تنش میان دو کشور ایران و عربستان، طرح پیشنهاد میزبانی نمایندگان دولت و مخالفان سوری برای مذاکره، موضع‌گیری صریح نسبت به لزوم تشکیل دولت مستقل فلسطین و... این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که چین در تلاش است در شرایط چرخش سیاست خارجی آمریکا از خاورمیانه به شرق آسیا، جایگزین این ابرقدرت شده و در چیدمان ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از آمریکا نقش ایفا کند و در عین حال از منابع انرژی و بازار گسترده منطقه نیز سود جوید.

اما صرف نظر از بعد کلان، در بعد روابط دوجانبه، هدف چین از گسترش روابط با ایران بیش از هر چیز جنبه اقتصادی دارد. در واقع چین نه تنها به دنبال تضمین امنیت و تداوم تأمین انرژی خود از ایران است، که به فرصت‌های تجاری ناشی از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران توجه دارد زیرا ایران تنها کشور در خاورمیانه است که به چین حق تجارت در زمینه فعالیت‌های بخش بالادستی را داده است.

سفر هیئت اقتصادی ایرانی به ژاپن

در اواسط بهمن ماه هیئت اقتصادی ایران به سرپرستی وزیر اقتصاد برای امضای پاره‌ای قراردادها و توافقات و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری ایران به ژاپن سفر کرد. در این سفر علاوه بر امضای یادداشت تفاهمی



ایران محسوب می‌شد، بار دیگر به جرگه مشتریان نفت ایران پیوست. حجم تجارت ایران و ژاپن در سال ۲۰۰۶ به بیش از سه میلیارد دلار رسیده بود و شرکت‌های ژاپنی تا لحظات آخر قبل از اجرایی شدن تحریم‌ها به روابط خود با ایران ادامه دادند. با این حال پس از سال ۲۰۱۲ از یکسو حضور پرننگ چین در بازارهای ایران و از سوی دیگر تحریم‌های بین‌المللی، ادامه این روابط را با چالش روبرو کرد. به دنبال افزایش تحریم‌های غرب و ژاپن، ارزش صادرات ژاپن به ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی به ۱۷۰ میلیون دلار رسید که این رقم یک‌دهم حجم صادرات این کشور در سال‌های قبل از تحریم بود. با این حال در چندماه گذشته تمایل دوجانبه برای گسترش روابط بین ایران و ژاپن زمینه را برای همکاری مجدد دو کشور فراهم کرده است. اما سؤال مهم، این است که چه عواملی باعث شده تا به رغم وجود چشم‌انداز مثبت از گسترش روابط با غرب ایران هنوز در صدد گسترش روابط تجاری و تکنولوژیک با ژاپن باشد؟ در جواب باید گفت در میان قدرت‌های بزرگ اقتصادی آسیا، ژاپن به لحاظ تکنولوژیک و صنعتی همواره برای ایران از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار بوده است به گونه‌ای که در شرایط کنونی نه تنها به سرمایه‌گذاری و تکنولوژی این کشور نیازمند است، بلکه صرف حضور ژاپن به عنوان یک اقتصاد شرقی در بازارهای ایران می‌تواند به ایجاد رقابت بین کشورهای عرضه‌کننده تکنولوژی به ایران مؤثر واقع شود و بدین ترتیب قدرت چانه‌زنی ایران در مناسبات اقتصادی را افزایش دهد.

در نقطه مقابل نیز فقر ژاپن از نظر منابع و نیاز شدید این کشور به منابع انرژی رابطه با ایران را برای این کشور حائز اهمیت می‌کند. ژاپن سومین مصرف‌کننده و واردکننده بزرگ نفت در دنیا پس از آمریکا و چین؛ بزرگترین واردکننده گاز مایع^۱ و دومین واردکننده بزرگ زغال‌سنگ پس از چین است. از سال ۲۰۱۱ که زمین‌لرزه و سونامی به نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما آسیب زد، وابستگی این کشور به سوخت‌های فسیلی و بازار انرژی خاورمیانه بیشتر شد. اعمال سیاست‌های تحریمی از سوی سازمان ملل علیه ایران نیز باعث شد تا ژاپن برای تامین انرژی مورد نیاز خود بیش از گذشته به واردات نفت از عربستان و امارات وابسته شود. اما با اجرایی شدن برجام این امکان فراهم شده است تا ژاپن از طریق تنوع‌بخشی به منابع تامین انرژی خود در جهت تامین ثبات واردات

مبنی بر در نظر گرفتن خط اعتباری ۱۰ میلیارد دلاری از سوی ژاپن برای اجرای پروژه‌های صنعتی و زیرساختی در ایران که با مشارکت شرکت‌ها و نهادهای ژاپنی اجرا می‌شوند، وزرای اقتصاد دو کشور قرارداد دوجانبه سرمایه‌گذاری امضا کردند که پیش‌زمینه آن در سفر قبلی وزیر اقتصاد ایران به ژاپن فراهم شده بود.

مقدمات تجدید روابط اقتصادی ایران و ژاپن همانند کشورهای اروپایی با تصویب برجام فراهم شد. ژاپن از جمله کشورهایی بود که در فاصله کوتاهی پس از تصویب برجام در مردادماه، نمایندگان خود را به ایران فرستاد. این نمایندگان نه‌مستعمل بر چهره‌های سیاستمدار که هیئتی اقتصادی به رهبری وزیر اقتصاد و تجارت و صنعت این کشور بود. هیئت مذکور با مسئولان و مقام‌های ذیربط بخش‌های صنعتی و انرژی ایران دیدار کرد. پس از آن وزیر خارجه ژاپن در مهرماه به همراه هیئتی ۲۳ نفره از رؤسای شرکت‌های مهم ژاپنی در زمینه‌های انرژی، خودرو، پزشکی، مهندسی و... به تهران سفر کردند و با هیئتی از تجار و بازرگانان ایرانی دیدار داشتند. در اوایل بهمن‌ماه وزیر خارجه ژاپن اعلام کرد که با توجه به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت هسته‌ای ایران، به منظور فراهم شدن امکان انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری با تهران، توکیو همه تحریم‌های اقتصادی و مالی قبلی علیه تهران را لغو می‌کند. با لغو این تحریم‌ها زمینه برای تجدید روابط اقتصادی دوجانبه فراهم شد. بدین ترتیب ژاپن به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان عمده انرژی در جهان که در سال ۲۰۱۲ از خریداران بزرگ نفت

1. LNG

خود بکوشد. ضمن اینکه تعامل با ایران زمینه‌های گسترده‌ای را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های ژاپنی در بخش نفت و گاز ایران فراهم می‌کند. علاوه بر این می‌توان رقابت ژاپن با چین را یکی از دلایل مهم گسترش روابط دو کشور دانست چنان‌که یک روز بعد از سفر رئیس‌جمهور چین به کشور، نخست‌وزیر ژاپن قصد خود را برای سفر به ایران به منظور انعقاد قراردادهای بلندمدت برای تضمین فروش نفت ایران اعلام کرد. این سفر در صورت وقوع اولین سفر یک نخست‌وزیر ژاپنی از سال ۱۹۷۸ به بعد به ایران است که پیش‌بینی می‌شود تا قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی این کشور در تابستان صورت گیرد.

به نظر می‌رسد دولت یازدهم از طریق برقراری روابط با هردو طیف کشورهای شرق و غرب تلاش می‌کند در محیط بین‌المللی کنونی که فرصت‌های جدیدی را پیش روی ایران قرار داده است، از ایجاد رقابت بین کشورهای شرقی و غربی به نفع خود بهره‌برداری کند.

اراده کره جنوبی برای تجدید روابط با ایران

در میان کشورهای شرقی، کره جنوبی از مشتاق‌ترین کشورها برای ازسرگیری روابط با ایران است. این کشور تا قبل از تحریم‌ها، بزرگترین صادرکننده تجهیزات و ابزار اتومبیل‌سازی به ایران بود و در عین حال بیشترین نفت مورد نیاز خود را از ایران تأمین می‌کرد. روابط ایران با کره جنوبی توسعه‌یافته‌ترین رابطه با یکی از کشورهای شرقی قبل از تحریم‌ها برای کشور، به شمار می‌آید. با این حال بعد از اعمال تحریم‌ها علیه ایران، کره جنوبی خرید نفت و واردات از ایران را به صفر رسانید در حالی که ایران همچنان به خرید صنایع الکترونیک و اتومبیل از کره ادامه می‌داد. با این حال مذاکرات هسته‌ای از همان ابتدا بر تمایل این کشور به گسترش و

تجدید روابط با ایران اثرگذار شد. چنان‌که در همان اوایل سال ۱۳۹۴ و پس از توافق لوزان، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ملی کره جنوبی این کشور در دیدار با هیئت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از آمادگی کشورش برای برداشتن گام‌های بزرگ در مسیر روابط دوجانبه با ایران سخن گفت. معاون امور سیاسی وزارت امور خارجه کره نیز که در اواخر شهریور ماه به تهران سفر کرد، هدف سفرهای وزرای زیرساخت و حمل و نقل کره و نیز معاون وزیر تجارت و انرژی کشورش به تهران را «ارزیابی و ترسیم واقعی چشم‌انداز روابط دوجانبه بعد از لغو تحریم‌ها» عنوان کرد. در همین چارچوب، وزیر تجارت این کشور در دیدار با مدیران شرکت‌های کره‌ای، لزوم ورود هرچه سریعتر و بهره‌برداری زودتر از فرصت‌های موجود در ایران را گوشزد و ضرورت تهیه نقشه راهی برای همکاری با ایران را مطرح و به منظور تشویق سرمایه‌گذاران کره‌ای برای حضور در ایران اعلام نمود که حمایت گسترده دولت، شامل حال شرکت‌هایی خواهد شد که می‌توانند به بازار ایران دسترسی پیدا کنند. این مسئله تا حد زیادی از نگرانی کره جنوبی نسبت به چینی شدن بازارهای ایران ناشی می‌شود که از به صدا درآوردن زنگ خطر سبقت کالاهای چینی بر کالاهای کره‌ای در ایران توسط نهاد دولتی توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری این کشور آشکار است. در هر حال روابط دو کشور به ویژه در حوزه ارزی در حال گسترش است. مقامات کره جنوبی اعلام کردند ایران در نظر دارد حدود سه تریلیون وون (۲,۴۹ میلیارد دلار) پولی که

رسم دولت‌های سابق فضای سیاست خارجی ایران به سمت یکی از دو طیف کشورهای شرق یا غرب پیش رود این بار این اتفاق نیفتاد. به نظر می‌رسد دولت در تلاش است تا سیاست خارجی را در میان شرق و غرب در نقطه تعادل نگاه دارد. این مهم در سیاست خارجی اعلامی آقای روحانی در خصوص رابطه با شرق یا غرب بدین شکل آمده است: «ما رابطه بسیار خوبی با چین داریم و از این به بعد نیز با ژاپن رابطه خوبی خواهیم داشت و ارتباط خوبمان با کشورهای نظیر هند و کره جنوبی نیز ادامه خواهد داشت. ما خواهان روابط خوبی با کشورهای جهان هستیم و می‌خواهیم با تمام همسایگانمان و کل کشورهای آسیایی و آفریقایی روابط خوبی داشته باشیم چرا که هر کشوری زمینه‌های خاص خود را برای همکاری و تعامل داراست.... در این زمینه حتی اگر کارآفرینان آمریکایی نیز بخواهند به ایران بیایند و فناوری وارد کنند مشکلی نداریم».

موشکافی در سیاست خارجی اعمالی دولت یازدهم نیز به خوبی بیانگر توجه همزمان این دولت به ایجاد رابطه‌ای متعادل و متوازن در ارتباط با غرب و شرق است. حضور رئیس‌جمهور در اجلاس سیکا، اجلاس کشورهای عضو و ناظر در سازمان شانگ‌های، وقوع دیدارهای مکرر دو و سه جانبه با مقامات پکن و مسکو، تلاش برای ارتقاء سطح روابط اقتصادی با روسیه و پیگیری همکاری راهبردی با این کشور در ارتباط با مسئله سوریه، گسترش روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری با هند و در این اواخر پیگیری روابط اقتصادی با کشورهای چون ژاپن و کره جنوبی، به خوبی نشان‌دهنده حفظ جایگاه و اهمیت جهان شرق در سیاست خارجی دولت یازدهم است.

در عین حال رابطه با شرق در شرایطی پیگیری می‌شود که ایران روابط روبه‌رشدی را با کشورهای اروپایی نیز در پیش گرفته است. معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ترغیب این کشورها به حضور در عرصه‌های تکنولوژیک و زیرساختی کشور، آمد و شدهای دیپلماتیک، تبادل نشانه‌های مثبت و کمتر خصومت‌آمیز در رابطه با آمریکا، سفر آقای رئیس‌جمهور به دو کشور فرانسه و ایتالیا از جمله نمودهای توجه همزمان ایران به جهان غرب می‌باشد.

اما مهم‌تر از همه اینکه به نظر می‌رسد دولت یازدهم از طریق برقراری روابط با هردو طیف کشورهای شرق و غرب تلاش می‌کند در محیط بین‌المللی کنونی که فرصت‌های جدیدی را پیش روی ایران قرار داده است، از ایجاد رقابت بین کشورهای شرقی و غربی به

در حساب‌های دو بانک کره‌ای دارد را در بازار سرمایه این کشور سرمایه‌گذاری کند. علاوه بر این، ایران این فرصت را برای کره جنوبی در نظر گرفته است تا حساب‌های بانکی که به منظور مبادله با پول کره‌ای برای دور زدن تحریم‌ها پس از ۲۰۱۰ افتتاح کرده بود را حفظ نماید و مبادلات با ارزهای غیر دلار همچنان ادامه یابد.

اما شاید مهم‌ترین بخش روابط سیاسی دو کشور در این فاصله، سفر وزیر خارجه کره به ایران در آبان ماه بود. این سفر اولین سفر یک‌مقام کره جنوبی به ایران طی ۱۴ سال گذشته بوده است. به دنبال این سفر، رئیس‌جمهور کره جنوبی نیز قصد خود مبنی بر سفر به ایران در آینده نزدیک را اعلام کرده است. لازم به ذکر است که طی ماه‌های گذشته تمایل مقامات و رسانه‌های کره جنوبی همواره ضمن تأکید قدرت و اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، بر ضرورت استفاده از الگوی مذاکرات هسته‌ای ایران برای مسئله هسته‌ای کره جنوبی بوده است که به نظر می‌رسد این ادراک مثبت از جایگاه ایران، چشم‌انداز خوبی را برای آینده روابط دو کشور ترسیم می‌کند.

سیاست خارجی دولت یازدهم: شرق‌گرا یا غرب‌گرا؟

در هفته‌های ابتدائی تصویب برجام سیل رفت و آمدهای دیپلماتیک به تهران روانه شد و عرصه سیاست خارجی کشور آنقدر شلوغ و گسترده بود که امکان فهم یک استراتژی مشخص در سیاست خارجی ایران وجود نداشت. با این حال با گذشت مدت زمانی اندک، فضای این آمد و شدها شفاف‌تر شد. بدین ترتیب اگرچه انتظار می‌رفت به



نفع خود بهره برداری کند. این مسئله را به روشنی می‌توان در رابطه با تشویق هر دو گروه این کشورها به سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی مشاهده کرد.

بر اساس آنچه گفته شد به نظر می‌رسد سیاست خارجی دولت یازدهم را نه بر مبنای گرایش به غرب یا گرایش به شرق که بر اساس گرایشی جهانی می‌توان توضیح داد. به عبارت دیگر هدف این سیاست خارجی، بر مبنای گسترش روابط با همه کشورها بر اساس منافع ملی و بازسازی چهره ایران در عرصه دیپلماتیک بنا شده است.

نتیجه‌گیری

نکته مهم در تعیین استراتژی سیاست خارجی این است که بر مبنای امکانات و محدودیت‌ها شکل بگیرد. در رابطه با ایران عامل ژئوپلیتیک و شرایط محیطی و بین‌المللی خود به عنوان عواملی هم محدودکننده و هم امکان‌ساز طی سال‌های اخیر نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد موقعیت ژئوپلیتیک ایران به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب و همچنین قرار داشتن آن در کانون بحران و توجه بین‌المللی اقتضا می‌کند که به منظور حفظ استقلال و پیشرفت به برقراری سیاستی متوازن و دوسویه با هر دو طیف کشورهای غرب و شرق روی آورد زیرا اتخاذ این رویکرد بر قدرت چانه‌زنی ایران در مناسبات بین‌المللی می‌افزاید. با این حال در برخی مقاطع همین موقعیت ژئوپلیتیک وقتی در کنار محیط بین‌المللی خاص قرار گرفته است، سیاست خارجی کشور را از تعادل خارج کرده و آن را به یک سمت سوق داده است. از نمونه‌های بارز این مسئله می‌توان به خطر گسترش کمونیسم شوروی و گرایش به غرب در دوره پهلوی، انزوای ناشی از شرایط پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، گرایش دولت آقای رفسنجانی به روسیه و گرایش به شرق در دوره آقای احمدی‌نژاد و اوایل دولت یازدهم اشاره کرد.

باید در نظر داشت که در دنیای روابط بین‌الملل کنونی ما باید منافع خود را همواره در اولویت قرار دهیم. در این رهگذر بخشی از منافع ما می‌تواند از طریق قدرت‌های غربی و اروپایی تأمین شود و برخی دیگر از طریق شرق قابل تأمین است. بنابراین رعایت تعادل و توازن در رابطه با شرق بهترین استراتژی است که در شرایط عادی می‌تواند به تأمین منافع ملی کمک نماید. معیار تعیین سیاست متوازن نیز علاوه بر داشتن رابطه با هر دو گروه کشورهای شرق و غرب،

توانایی تأمین منافع در ارتباط با این کشورها است.

در مجموع اینکه از آغاز تشکیل جمهوری اسلامی ایران تا کنون گرایش‌های مختلفی اعم از غرب‌گرایی، شرق‌گرایی، اعتقاد به سیاست نه شرقی-نه غربی (با قرائت‌های مختلف) در سیاست خارجی حضور داشته‌اند. اگرچه هر یک از دیدگاه‌ها و استراتژی‌های فوق منافع و آسیب‌های خاص خود را به همراه داشته‌اند اما باید توجه داشت که هیچ‌یک قادر به تأمین منافع حداکثری ایران نخواهند بود. این در حالی است که تجربه قدرت‌های نو ظهور در عرصه سیاست خارجی نشان می‌دهد که تنها منطقی که می‌تواند منافع کشورها را تأمین نماید، اتخاذ رویکردی متعادل و پرهیز از تنش و تقابل در سیاست خارجی است. با این حال باید در نظر داشت که بحث توازن در سیاست خارجی به رابطه با شرق و غرب محدود نمی‌شود، بلکه حفظ تعادل و توازن در دو وجه آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه سیاست خارجی نیز ارکان ضروری است به نحوی که ضمن توجه به ایدئولوژی‌های حاکم بر نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن نباید نسبت به واقعیت‌های بین‌المللی غفلت کرد. همچنین حفظ توازن در رابطه با محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از دیگر مواردی است که تعادل در سیاست خارجی را می‌طلبد.